

فهرست کتاب

مقدمه نویسنده.....	۶
مقدمه ویراستار.....	۱۴
زیرو زبر شدن اگزستانسیال تولستوی.....	۱۷
داستایوفسکی سالک مدرن رنج اندیش.....	۶۰
سلوک اگزستانسیل، «آشکارگی هستی» و «صدقِ اقناعی - روایی».....	۹۷
دویدن در پی معنا (معنای زندگی در گفتگو با حسین جمالی پور).....	۱۰۵
کودکی شور آبها (معنای زندگی در گفتگو با عادلہ صمیمی).....	۱۲۷
ضمائم.....	۱۴۵
امتزاج فنومنولوژیک و سایکولوژیک «تنهایی» در دستگاه اندیشه سروش دباغ (فرهاد مشکور).....	۱۴۶
تنهایی ایرانیان و ایرانِ تنها (حسین جمالی پور).....	۱۷۹
آناکاوای رنج تنهایی (فرهاد مشکور).....	۲۰۲
زبان، محملی برای آشکارگی زاین (فرهاد مشکور).....	۲۱۵
کُنای تا بی-کران (فرهاد مشکور).....	۲۵۶
فراخی بخشی و ژرفادهی به تفکر معنوی (غلامرضا خاکی).....	۲۷۸
از «بازی زبانی» تا «شبانوی وجود» (غلامرضا خاکی).....	۲۸۴

سروش دباغ

مقدمه نویسنده

«هستی (جان جهان) توان پذیرش اموری را که نمی توانم تغییر دهم در من بوزاند؛ و جسارتِ تغییرِ اموری را که می توانم. همچنین، توان چشیدن و مزه مزه کردنِ تفاوت میان این دو را.» (۱)

«جاده‌ای را که از پیش کشیده شده و تو را به جلو می‌رانند، دنبال نکن. بلکه در راهی قدم بگذار که رهرو و رونده‌ای ندارد و از خود ردّ پایی بجا بگذارد.» (۲)

«از بخت شکر دارم و از روزگار هم». بیش از سیزده سال است که مشغول به کارِ «طرحواره‌ای از عرفان مدرن/ سلوک اگزیستانسیل در روزگار کنونی» هستم و به قدر وسع، درباره‌ی سویه‌ها و ستونهای مختلف آن می‌اندیشم، می‌گویم و می‌نویسم و افتان و خیزان آن را پیش می‌برم. جان جهان را شاکرم که هر چه پیشتر آمده‌ام، ابعاد این کار بر من بیشتر روشن گشته است. سیزده سال پیش، روزی که مقاله‌ی نخست از سلسله جستارهای «طرحواره‌ای از عرفان مدرن» (۳) را به دست انتشار سپردم، مقالات ده گانه‌ای که طی هفت سال تحریر شده و در اثر «آبی دریای بیکران» (۴) به مهربانی کنار یکدیگر نشسته‌اند؛ تصور نمی‌کردم که پای در چه سفر فلسفی- ادبی- اگزیستانسیل دور و درازی نهاده و سر از کجا در خواهم آورد، که: «کس را

سروش دباغ

وقوف نیست که انجام کار چیست» و «مرا سفر به کجا می‌برد / کجا نشان قدم ناتمام خواهد ماند / و بند کفش به انگشت های نرم فراغت / گشوده خواهد شد؟» (۵)

از قضای روزگار، پیگیری این پروژه طی یک دهه اول با سپهری پژوهی‌های درازدامنِ نگارنده هم‌معنان گشته و همپوشانی محسوسی یافته بود. تو گویی، پا به پای بازخوانی انتقادی میراث عرفانی و بر ساختن و وام کردن مفاهیمی چون «سالک مدرن»، «متافیزیک نحیف»، «ایمان شورمندلنه»، «ایمان آرزومندلنه» (۶)، «تنهایی مخملین» (۷)، «تنهایی تلخ» (۸)، «سلوک افقی / سلوک عمودی» (۸)، «کورمرگی» (۱۰)، «مرگ هراسی» (۱۱)، «طنز الاهیاتی» (۱۲)، «نیایش حکیمانه» (۱۳)، «رنج رهن»، «رنج رهگشا».. مصادیق آنها را در اشعار و مکتوبات سپهری، سالک مدرن کاشانی سراغ می‌گرفتم و بر می‌رسیدم.

در ادامه این سفر پر فراز و نشیب، چنانکه در مقدمه «از خیام تا یالوم» آورده‌ام؛ بنا دارم با محوریت آثار دیگر سالکان مدرن، نرم نرمک، چند و چون سلوک اگزیستانسیل و دیگر ستونهای برساننده آن در اینجا و اکنون را پی بگیرم و روایت کنم.

کتاب پیش رو، «در کشاکش رنج و معنا»، پس از «حریم علفهای قربت»، «آبی دریای بیکران»، «از خیام تا یالوم» و «سرشاری خوشه زیست» در می‌رسد و ایستگاه بعدی این سفر اگزیستانسیل دور و درازست. دو مفهوم مهیب اگزیستانسیل «رنج» و «معنای زندگی»، صحنه گردان این دفترند.

نوشتار « زیر و زبر شدنِ اگزستانسِیلِ تولستوی»، با مدّ نظر قرار دادنِ اثر خواندنیِ «اعترافاتِ تولستوی»، چند و چون و تلقی های مختلف از معنای زندگی را می کاود. دو جستار «دویدن در پی معنا» و «کودکی شورآبها»، خواننده را با روایتِ نگارنده از «معنای زندگی» و تجربه زیسته اش در این باب آشنا تر می سازد.

«داستایفسکی؛ سالک مدرنِ رنج اندیش»، دیگر نوشتار این مجموعه است. تفکیک میان «رنج امحاءناپذیر» و «رنج امحاءپذیر»، همچنین انحاء رنج امحاءناپذیر به روایت نگارنده، با پیش چشم داشتن شاهکار «برادران کارامازوف» داستایفسکی، در این جستار بلند صورتبندی شده است.

در سالیان اخیر، در سلوکِ سیاسیِ خویش، همانطور که در دو جستار «چگونه سوسیال دموکرات شدم؟» (۱۴) نگاشته‌ام، از اردوگاه لیبرال دموکراسی به منزلگاه سوسیال دموکراسی کوچ کرده‌ام. همچنین در سلوکِ فلسفیِ خود، چنانکه در سخنرانیِ «صدق به روایت فرگه و ویتگنشتاین متأخر» (۱۵) آورده‌ام، از «صدق مطابقتی» به «صدقِ «اقتناعی-روایی» رسیده‌ام؛ ایستار فلسفی‌ای که در سلوکِ اگزستانسِیلِ نگارنده در یکسال اخیر آشکارا ریزش کرده و همپوشانیِ روشنی با مفاهیمِ هایدگریِ «آشکارگی هستی»، «شبانی وجود» و «زبان خانه وجود است» دارد.

برگزاریِ درسگفتارِ «بایزید و بوالحسن» طی چند ماه اخیر، این عبور و پوست اندازی را بر نویسنده روشن تر ساخته؛ که اندیشیدن و زیر و زبر گشتن و شدن و واکاویدن

سروش دباغ

قلعه هزار توی زبان، از مقوماتِ گریز ناپذیرِ سلوکِ اگزیستانسیل است. نوشتار "سلوکِ اگزیستانسیل"، آشکارگی هستی و «صدقِ اقناعی-رواقی»، روایتِ گر این تلاطمِ ها و تحولات است.

پس از آن، نوبت به بخشِ ضمایمِ کتاب می رسد؛ ضمایمی که برای آشناییِ جدی‌تر و روشمندتر با حدود و ثغورِ «طرحوارهٔ عرفانِ مدرن/سلوکِ اگزیستانسیل در روزگار کنونی»، حقیقتاً رهگشا و آموزنده است.

حسین جمالی پور، پژوهشگرِ فلسفهٔ اگزیستانسیالیسم، در جستار «تنهاییِ ایرانیان و ایرانِ تنها»، سویه‌های اجتماعیِ مفهومِ «تنهایی» و ربط و نسبتِ آن را از یک سو با ساختارِ سیاسی و از سوی دیگر با سلوکِ اگزیستانسیل به خوبی تبیین کرده است.

فرهاد مشکور، پژوهشگرِ فلسفه و عرفان، در جستارهای پنج‌گانهٔ «امتزاجِ فنومنولوژیک و سایکولوژیکِ تنهایی در دستگاهِ اندیشهٔ سروش دباغ»، «آناکاوِ رنجِ تنهایی»، «زبانِ محملی برای آشکارگیِ زاین»، «کُنایِ تا بی-کران؛ در کشاکشِ رنج و معنا» و «سلوکِ انحصاری، سلوکِ همه‌گانی»؛ مفاهیمِ «تنهایی»، «رنج» و «سلوک» را واکاوِیِ فلسفی-اگزیستانسیل در خورِ درنگی کرده، جایگاهِ آنها در «سلوکِ اگزیستانسیل در روزگارِ کنونی» با عنایت به اشرافی که از سر لطف به آثارِ نوشتاری و گفتاریِ نگارنده دارد، به نیکی روایت کرده است.

حسن ختامِ این مجموعه، دو نوشتار «فراخی بخشی و ژرفا دهی به تفکرِ معنوی» و «از بازیِ زبانی تا شبانی وجود»، نوشتهٔ غلامرضا خاکی است. نویسنده، از منظر

خود، افزون بر طرح برخی انتقادات درباره مفهوم سازی‌های نگارنده، فراتر رفتن از مفاهیمی نظیر «بازی زبانی» که تبار ویتگنشتاینی دارند و پای نهادن در وادیِ مفاهیم هایدگری «شبانی وجود» و «تفکر شاعرانه» در سلوک فکریِ نگارنده را با عنایت به فلسفه پژوهی و پیشینه فلسفه تحلیلی‌اش، بررسی‌ده و روایت کرده است.

از همه نویسندگان محترم، که به نگارنده و کارک «طرحواره عرفان مدرن/سلوک اگزیستانسیل در روزگار کنونی» عنایت داشته و از سر لطف درباره آن تامل کرده و قلم زده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم.

ناگفته نگذارم که «دویدن در پی معنا»، صورت منقح گفتگوی حسین جمالی پور با نگارنده است. «کودکی شور آبها: روایت من از معنای زندگی» نیز، صورت منقح گفتگوی عادل صمیمی با بنده است. این دو گفتگو، همچنین دیگر جستارهای این کتاب، پیش از این در دو سایت وزین «دین آنلاین» و «زیتون» منتشر شده‌اند. از دست اندکاران این دو سایت که مجال انتشار این مکتوبات را فراهم آوردند، ممنونم.

اگر نبود زحمات ویراستار محترم، حسین جمالی پور و پیگیری‌های مجدانه فرهاد مشکور، این مجموعه بسامان نمی‌شد. از این دو عزیز سپاسگزارم. همچنین ارج می‌نهم زحمات سینا بابلی و سپهر زارع، مدیر فرهنگ دوست نشر «سهروردی» را برای انتشار این کتاب.

سروش دباغ

امیدوارم خواننده محترم، از لابلای سطور و صفحات جستارهای « در کشاکش رنج معنا»، افزون بر آشنایی با روایت نگارنده از مفاهیم «رنج» و «معنا» و چند و چون و جایگاه آنها در «سلوک اگریستانسیل در روزگار کنونی»، حدیث پاشانی نویسنده را هم که بسان پرکاهی در مصاف تند باد بدین سو و بدان سو می رود و بالا و پایین می شود، ببیند و بخواند. همچنین، احوال اگریستانسیل خود را رصد کند و به تماشای آنها در آیینۀ مقولات «رنج»، «معنا» و «تنهایی» بنشیند و با خود زمزمه کند:

« دلم گرفته

دلم عجیب گرفته است.

و هیچ چیز،

نه این دقایق خوشبو که روی شاخه نارنج می شود خاموش،

نه این صداقت حرفی، که در سکوت میان دو برگ این گل شب بوست،

نه هیچ چیز مرا از هجوم خالی اطراف

نمی رهاند.

و فکر می کنم

که این ترنم موزون حزن تا به ابد

دچار باید بود

وگر نه زمزمه حیرت میان دو حرف

حرام خواهد شد.» (۱۶)

تورنتو- آذرماه ۱۴۰۳ شمسی

ارجاعات

- نقل از: سروش دباغ، دفترچه زمزمه های مخملین،
۱. همان
۲. طرحواره ای از عرفان مدرن- تنهایی معنوی؛ سروش دباغ
۳. ن.ک.به: سروش دباغ، آبی دریای بیکران: طرحواره ای از عرفان مدرن،
تورنتو، نشر سهروردی، ۱۳۹۷.
۴. سهراب سپهری؛ شعر «مسافر»، ششمین دفتر هشت کتاب
۵. ن.ک.به: سروش دباغ، «ایمان شورمندانه- ایمان آرزومندانه»، در / امر اخلاقی،
امر متعالی: جستارهای فلسفی، تهران، کتاب پارسه، ۱۳۹۲،
۶. ن.ک.به: سروش دباغ، «در هوای یالوم و سپهری»، در / از خیام تا یالوم؛
سلوک معنوی در روزگار کنونی، بنیاد سهروردی، ۱۴۰۲.
۷. همان

سروش دباغ

۸. ن.ک.به: سروش دباغ، «برخورد انگشتان با اوج»؛ سلوک رواقی ☐ شمس تبریزی و سهراب سپهری، در *از خیام تا یالوم*، سلوک معنوی در روزگار کنونی، بنیاد سهروردی، ۱۴۰۲.
۹. ن.ک.به: سروش دباغ، «مرگ در ذهن افاقی جاریست»، در *آبی دریای بیکران: طرحواره ای از عرفان مدرن*، تورنتو، نشر سهروردی، ۱۳۹۷.
۱۰. همان
۱۱. در جستارهای ذیل که همزمان با عالمگیر شدن ویروس کرونا منتشر شدند، با وام کردن آموزه های الاهیات سینوی-مشایی، به مسئله شر پرداخته، آنرا به روایت خویش صورتبندی کرده ام؛ الاهیاتی که با «نیایش حکیمانه» سازوار است.
- نگاه کنید به: «الهیات سینوی، طنز الاهیاتی و معضل شر»، «طنز الاهیاتی و اعتراض الاهیاتی» و «می شود به سراغ "خدا" رفت»، در *رد آبی روایت*، تورنتو، نشر سهروردی، ۱۳۹۹، جلد اول و جلد دوم.
۱۲. ن.ک.به: سروش دباغ، هسته ً پنهان تماشا؛ تأملی در انواع نیایش»، در *از خیام تا یالوم*، سلوک معنوی در روزگار کنونی، بنیاد سهروردی، ۱۴۰۲.
۱۳. ن.ک.به: سروش دباغ، «چگونه سوسیال دموکرات شدم؟» مندرج در *راه طی نشده: جستارهایی در دیانت، سیاست و اجتماع*، تورنتو، سهروردی، ۱۴۰۲
۱۴. سخنرانی دکتر سروش دباغ با عنوان «صدق به روایت فرگه و ویتگنشتاین متأخر»، فروردین ماه ۱۴۰۳
۱۵. سهراب سپهری؛ شعر «مسافر».

کتاب «در کشاکش رنج و معنا» تلاش می‌کند از تجربه‌های عمیق بشری سخن بگوید. چنانکه از نام آن پیداست در گام نخست رنج و معنای زندگی را به پرسش می‌گذارد و بیش از هر موضوع دیگر به توصیف آن می‌پردازد. اما محتوای کتاب محدود به این دو مفهوم نیست و مفاهیم متعددی که با رنج و معنای زندگی در ارتباط هستند را نیز به بحث گذاشته است. یکی از این مفاهیم تنهایی است که در مقالات مختلف از منظر فلاسفه بزرگ به بحث گذاشته شده است و دیدگاه سروش دباغ نیز با دیدگاه آنان تطبیق داده شده است. هیچ تردیدی نیست که تنهایی یکی از احوالات روانشناختی وجودی است که تمامی آدمیان در شرایط مختلف، حد اقل یکی از انواع آن را تجربه می‌کنند. واکاوی و پرده برداشتن از این مفهوم در روزگار ما بسیار ضروری و موثر است و پرداختن به آن به کاهش رنج ما از تنهایی کمک می‌کند. در عین حال باید بدانیم که واکاوی رنج و حتی مفهوم معنای زندگی که در این اثر به بحث گذاشته شده‌اند، نیازمند مطالعه و مذاقه بیشتری هستند که ما را به آثار دیگری نیازمند می‌کند. ممکن است پرسش شما در باب آزاد بودن انسان در جهان جبری باشد و تصوراتان بر این باشد که زیستن در چنین جهانی رنج آلود است و چگونه می‌توان از این رنج رها شد؟ یا پرسش شما این باشد که حکمت و ادبیات ایران چگونه می‌تواند با تغییر نگرش ما، بر کاهش رنج زندگی موثر باشد؟ همچنین ممکن است بپرسید چه نسبتی بین فلسفه، روانشناسی، ادبیات و معنای زندگی است؟ و این سه حوزه فکری چگونه می‌توانند به سلامت روان ما کمک کنند؟ و البته پرسش‌های دیگر نیز ممکن است به ذهن شما خطور کند و شما را نیازمند کتاب دیگری کند.

سروش دباغ

سروش دباغ پیش از انتشار «در کشاکش رنج و معنا»، کتاب «از خیام تا یالوم» و کتاب «سرشاری خوشه زیست» را منتشر کرده است که این سه کتاب مکمل هم می‌باشند. این سه‌گانه با تکیه بر ادبیات، فلسفه، عرفان و روانشناسی توانسته است به اغلب پرسش‌های ما که مرتبط با آزادی، مسئولیت، معنای زندگی، تنهایی، رنج، غم، امید، عشق، مرگ و بسیاری از تجربه‌های بشری است، بپردازد و از حکیمان، روانشناسان، فلاسفه و شاعران بزرگ تاریخ برای پاسخ به چالش‌های عمیق روانی ما استمداد جوید.

کتاب سرشاری خوشه زیست تلاش می‌کند با تکیه بر اندیشه رواقیان باستان، انسان‌گیر افتاده در جهان ضرورت را به آرامش برساند و او را نسبت به آنچه سرنوشت و خارج از اراده اوست آگاه سازد. در این اثر سخن از حافظ و خیام نیز بسیار است؛ چنانکه از دیگر روانشناسان بزرگ نیز توصیه‌هایی که سلامت روان در پی دارد به وفور به بحث گذاشته شده است. در این کتاب از سنکا، مارکوس اورلیوس، زنون و دیگر رواقیان تا سعدی و مولانا و شمس و از سوی دیگر از اریک فروم، آلبرت ایس، اروین یالوم بسیار سخن رفته است و هدف آن بیش از هر چیز پالایش ذهن و روان از نگرش‌ها و باورهایی است که رنج آدمی را افزایش می‌دهند. سروش دباغ در این اثر با تکیه بر متفکران بزرگ ذکر شده، سعی می‌کند به پالایش ذهن و رسیدن به آرامش روان کمک کند. این اثر توسط بنیاد سهروردی منتشر شده است که نسخه الکترونیک آن در سایت سروش دباغ موجود است.

کتاب/ از خیام تا یالوم ضلع دیگر این سه گانه است که بیشتر جانمایهٔ اگزیستانسیل دارد. در آن اثر از تنهایی، مرگ، آزادی، مسئولیت، معنابخشی به زندگی، انواع سلوک معنوی، مرگ آگاهی، ذهن آگاهی و مفاهیمی که در روان درمانی و مکتب اگزیستانسیالیسم موضوع اندیشه است، به بحث گذاشته شده است که می‌تواند مکمل این اثر باشد.

به طور کلی این سه اثر تلاش می‌کند از زوایای مختلف و از منظرگاه ادبیات، فلسفه، عرفان و روانشناسی به پرسش‌های بنیادینی که در موقعیت‌های مختلف ما را دچار بحران روانی می‌کند، بپردازد. پرسش‌هایی از قبیل چرا رنج می‌کشیم؟ چگونه رنج بکشیم؟ تنهایی چیست و چگونه باید با آن مواجه شد؟ مسئولیت ما در زندگی چیست؟ آیا زندگی معنادار است یا ما باید به آن معنا بدهیم؟ خودشکوفایی چیست و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟ و بسیاری پرسش‌ها از این دست در این سه اثر مورد بحث قرار گرفته است که برای مخاطبان بسیار رهگشاست.

در این اثر سروش دباغ بیش از هر چیز بر روی تولستوی و داستایوفسکی متمرکز بوده و از نسبت رنج و معنای زندگی سخن گفته است. مقالات دیگر نیز تلاشی است برای واکاوی پرسش‌هایی که پیش از این ذکر شد. امید است به کار مخاطبان عزیز بیاید و گره‌گشا و معنابخش زندگی‌شان باشد. در پایان از دوست عزیزم دکتر احسان خان‌محمدی در باب همکاری در ویراست این مجموعه سپاسگزارم.

حسین جمالی پور دی ۱۴۰۳

عربخانه-خراسان جنوبی